

۹-۲. گزیده هفده قصیده از ناصر خسرو قبادیانی، شرح و گزینش علی اصغر حلبی، چاپ اول، تهران، نشر اساطیر، سال ۱۳۷۳، ۱۹۷ صفحه.

کتاب مذکور دارای یک مقدمه تحلیلی است و در آن از اصطلاحات مربوط به مذهب اسماعیلی استفاده شده است. هرچند مؤلف محترم در نگاشتن مقدمه زحمت زیادی کشیده، از منابع متنوع درباره ناصر خسرو و اسماعیلیان - که به زبان فارسی موجود است - استفاده نکرده است.

زبان کتاب در بخش توضیحات ساده و روان است. گاه مؤلف اصطلاحات منطقی، فلسفی و اسماعیلی را به کار می‌برد، که برای عامه، کمی مبهم است. مؤلف در شرح اشعار، مطابق سنت ادبا، واژه‌ها، ترکیبات و تلمیحات را توضیح داده و در مواردی نیز ابیات را معنی کرده است.

این کتاب از نظر کیفی - با توجه به اینکه در شرح متن آن از منابع مهم بهره گرفته شده - خوب است، اما از نظر کمی سرفصل‌های درس سی قصیده را دربر نمی‌گیرد و مدرسان این درس باید خودشان این کاستی را جبران کنند تا درس در مجموع مطابق با سرفصل‌های شورای عالی برنامه‌ریزی باشد. زیرا تنها ۱۷ قصیده را در بردارد. درس ناصر خسرو در

دوره کارشناسی ۲ واحد است و به صراحت سرفصل باید سی قصیده باشد و این سی قصیده همراه با یک تحلیل فکری و موضوعی دیوان شاعر تدریس شود. نویسنده در این کتاب اگرچه در مقدمه، تحلیلی کلی درباره افکار شاعر ارائه داده، در متن کتاب به جای سی قصیده، به هفده قصیده پرداخته و از این قصاید نیز ابیاتی را حذف نموده و در مجموع ۴۳۸ بیت را گزارش کرده است. این رقم با توجه به میانگین ابیات قصاید ناصر خسرو (۴۵ بیت) و عنوان درس (سی قصیده) چنان که یاد شد بخشی از سرفصل‌های درس را در برمی‌گیرد و طبق سرفصل درس، متن کتاب باید حداقل ۱۳۵۰ بیت باشد.

در مجموع گزیده حاضر، با وجود داشتن پاره‌ای امتیازات که در جای خود ستودنی و مثال‌زدنی است، اشکالاتی دارد که به نظر می‌رسد اصلاح آن موارد - که در ذیل به آنها اشاره خواهد شد - بر غنای کتاب خواهد افزود. امید است مؤلف محترم با توجه به سعه صدری که دارند در چاپ‌های بعدی کتاب، آنها را اصلاح فرمایند:

۱. صفحه ۱۱، س ۸: پذیرش مذهب اسماعیلی از سوی ناصر خسرو در مصر قطعی نیست. طبق نظر برخی محققان، ایشان در خراسان این مذهب را پذیرفته و پس از طی مراحل در مذهب باطنی، به مصر احضار شده است.
۲. صفحه ۲۴: مأخذ ابیات بالای صفحه ذکر نشده است؛
۳. صفحه ۲۴: در ترکیب، «بارِ خدایا» در بیت اول بهتر است حرف «راء» به سکون نگاشته شود که به کسر نوشته شده است؛
۴. صفحه ۲۵: بیت حافظ ارتباطی با ایرادگیری به نظام آفرینش ندارد؛

## ادبیات کلاسیک ۱۰۱

۵. صفحه ۴۸، سطر ۴: «چرخ هفتم» به فلک افلاک معنی شده، در حالی که «فلک الافلاک» چرخ نهم است.
۶. صفحه ۵، سطر ۸ از آخر: ترکیب «یکی نامور» چنان که دکتر محقق در شرح سی قصیده اشاره کرده، احتمالاً ابویعقوب سبختانی است؛
۷. در صفحه ۵۱، س ۵: ترکیب «مرا خوردن» به ستیز، وجدال کردن معنی شده است با مراجعه به فرهنگ‌ها در این خصوص چنین فعلی پیدا نشد؛ احتمالاً آن «مرا خوردن» است که در شعر ناصرخسرو عبارت «نخور مرا» نیز آمده است «کسی را خوردن» یعنی متعرض کسی شدن و کسی را هلاک کردن که در متون قرن پنجم از جمله *تاریخ بیهقی* نیز آمده است. ظاهراً مؤلف محترم به سبب بدخوانی عبارت مذکور، در معنای آن دچار توجیه شده و آن را با ترکیب مری کردن که به معنای ستیزه وجدال نمودن است، یکسان پنداشته است؛
۸. در صفحه ۵۷: توضیح مؤلف در بیت ۱۰ برای تبیین اشاره تاریخی ناصرخسرو به جنگ‌های محمود غزنوی کافی نیست؛ زیرا شاعر در این بیت اشاره به جنگی خاص دارد که در تواریخ از آن سخن رفته است؛
۹. در صفحه ۵۸: در توضیح بیت ۱۱ نوشته‌اند «پیکان در سندان نشانند» کنایه از نهایت مهارت و صلابت در تیراندازی است؛ حال آنکه چنین نیست؛ زیرا تیرانداز هر قدر هم که ماهر شد پیکان را در سندان نمی‌نشانند، این معنی با بیت هم سازگار نیست، بلکه منظور توانایی در انجام دادن کار بسیار دشوار یا کار محال است؛

۱۰. صفحه ۵۹: در توضیح بیت ۱۷ «احرار» و «آزادگان» منظور ایرانیان است؛ مطابق آنچه در عربی ایرانیان را احرار و بنوالاحرار می‌گفته‌اند و این مفهوم با معنای بیت هم سازگار است؛
۱۱. صفحه ۷۷: سطر آخر: وفات کسایی، ۳۹۱ ذکر شده است که احتمالاً غلط چاپی است. زیرا در تاریخ ادبیات تألیف دکتر صفا (ج اول) و در مقدمه دیوان کسایی (به کوشش دکتر ریاحی)، تاریخ وفات او مقارن با تاریخ تولد ناصر خسرو (۳۹۴) دانسته شده است؛
۱۲. صفحه ۸۶ در توضیح بیت ۲۵: آهوی محالات اضافه تشبیهی است نه بیانی و ملکی؛
۱۳. صفحه ۹۱، در توضیح ابیات ۱۷، مأخذ ابیات فارسی و عربی داده نشده است؛
۱۴. صفحه ۱۰۳، در توضیح بیت ۹، سال جلوس و فوت حضرت سلیمان به ترتیب ۹۷۳ و ۹۳۵ ه. ق ذکر شده که ظاهراً غلط چاپی است؛
۱۵. صفحه ۱۰۵، در توضیح بیت ۱۵، ابیات منقول از سنایی با وجود اینکه در دیوان او آمده، در دیوان انوری نیز نقل شده است و ظاهراً لحن ابیات به شعر انوری نزدیک‌تر از سنایی است؛
۱۶. در صفحه ۱۱۵: در سطر ۲، خلافت ابوبکر و عمر صحیح است؛
۱۷. صفحه ۱۴۷: در سطر ۲، مأخذ مربوط به بیسوادی سنجر ذکر نشده است؛
۱۸. صفحه ۱۶۷: در توضیح بیت ۱۱، بخشی از توضیح مربوط به شیعه تکراری است؛
۱۹. صفحه ۱۷۰: در توضیح بیت ۲، «تنگی» در لغت به معنی «تنگه» و محل نزدیک شدن دو کوه آمده و با توجه به زندگی ناصر خسرو در دره یمگان،

### ادبیات کلاسیک ۱۰۳

این معنی صحیح و مناسب است و معنی «بی‌راحت» برای «تنگی» به

شکل صفت صحیح به نظر نمی‌رسد و احتمالاً قید است؛

۲۰. صفحه ۱۷۱: در توضیح بیت ۶، وجه دیگر در انتساب لاله به نعمان، این

است که نعمان در عربی به معنی خون، و لاله را به سبب قرمزی «لاله

نعمان» گفته‌اند و انتساب آن را به نعمان مندر افسانه دانسته‌اند و

ناصرخسرو خود در اشعار خویش به مجازی بودن این انتساب اشاره کرده

است: خدای را تو چنانی که لاله نعمان را»؛

۲۱. صفحه ۱۷۱: در توضیح بیت ۸، مراد از تازی، عرب است نه ایرانی، زیرا

همراه با آن «خراسانی» و «عراقی» آورده که بخشی از سرزمین ایران

هستند؛

۲۲. صفحه ۱۷۱: در توضیح بیت ۹، منظور از «پاران» خلفاست نه به‌طور مطلق صحابه؛

۲۳. صفحه ۱۷۳: در توضیح بیت ۱۱، سگ کهدانی به معنی سگی که بر اثر

اقامت در کهدان شجاعت خود را از دست داده، فقط پارس می‌کند که در

این معنی با مفهوم بیت متناسب است و بیتی که به عنوان شاهد از سنایی

در این باره نقل شده، تا حدودی مناسب به نظر نمی‌رسد؛

۲۴. صفحه ۱۷۵: در توضیح بیت ۲۱، ترکیب «بدبخت فضولی» ظاهراً به معنی

«بدبخت کامل» و «بدبخت‌تر» چنانکه مؤلف پنداشته‌اند - نیست. شاید به

این معنی باشد یعنی چون تو بدبخت فضول هستی نه این است که ...»؛

۲۵. صفحه ۱۷۷: در بیت ۲۸، برداشت مؤلف درست نیست. ظاهراً مفهوم آن چنین است:

اگر یارانِ تو، زهاد و بزرگان‌اند، تو چرا بر سنت و روش دیوان هستی؟

۲۶. صفحه ۱۷۹: در بیت ۳۲، کتب حیلت منظور کتاب‌هایی است که در زمینه حیل فقهی به‌ویژه در خصوص فقه ابوحنیفه نوشته شده است، که بعضی از آنها را مهدی محقق در شرح سی قصیده نام برده است؛
۲۷. صفحه ۱۸۰، در توضیح بیت ۳۶ به تصریح ناصر خسرو در سفرنامه باب‌الذهب از دروازه‌های قصر المستنصر بوده‌واین مفهوم با بیت متناسب است.

